

مطالعات

دوره اول / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۰ / صص ۲۳۰-۲۱۵

تاریخ فرهنگی مشروح هند*

محمد مهدی توسلی**

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

اشاره

در سال ۱۹۷۵ میلادی انتشارات دانشگاه آکسفورد در انگلیس، کتابی تحت عنوان تاریخ فرهنگی هند به کوشش آر. ا. بشام را در ۵۸۵ صفحه منتشر کرد که به سرعت نایاب شد. در ۱۹۸۳ چاپ هندی آن در شهرهای کلکته، چنای و بمبئی توسط شعبه هندی همان انتشارات به بازار آمد و سپس بار دیگر در سال‌های ۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و جولای ۱۹۹۹ انتشار یافت. در نوامبر ۲۰۰۷ ویراستار آن اقدام به چاپ جدیدی از اثر، با تجدید نظر کلی و کم و زیاد کردن بعضی مطالب و فصول و این بار با عنوانی نو: تاریخ فرهنگی مشروح هند، در ۳۰۴ صفحه نمود. چاپ هندی این اثر در سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد در دهلی، روانه بازار شد. نظر به اهمیت موضوع و جامعیت کتاب و ارزش و استقبال از آن در مجامع علمی، و متأسفانه ناشناخته ماندن آن در میان دانشجویان و دانشگاهیان ایران، به معرفی، نقد و ارزیابی این اثر پرداخته می‌شود.

*. Basham, A. L. (2009). *The Illustrated Cultural History of India*. New-Delhi: Oxford University Press.

** . tavasoli54@yahoo.com

معرفی اجمالی کتاب

هدف نویسندگان کتاب، و در حقیقت ویراستار آن، فراهم آوردن تاریخ فرهنگی میراث هند در یک جلد به منظور پاسخ دادن به نیازهای میلیون‌ها دانشجو و پژوهشگر و علاقه‌مند به هند است. هرکدام از نویسندگان کتاب در یک یا چند شاخه از تاریخ و هنر و تمدن هند متخصص هستند. تلاش جمعی آنان برای تألیف این مجموعه باعث شده تا موثق‌ترین دانسته‌ها و آخرین اطلاعات در راستای میراث فرهنگی هند در یک‌جا گرد آید. آنچه در نگاه نخست در چشم می‌نشیند، ترکیب نویسندگان این اثر است که از میان محققان و متخصصان برجسته از پنج قاره جهان انتخاب شده‌اند تا اثری بی‌بدیل تألیف کنند. از این منظر هر بخش و هر فصل، رویکردی نو به میراث هند دارد و برای دانشجویان علوم انسانی که توجه خاصی به هند دارند، درک جامعی ارائه می‌دهد؛ از سوی دیگر پژوهشگران و استادان علاقه‌مند به حوزه فرهنگی هند با تحلیل‌ها و دیدگاه‌های جدیدی آشنا خواهند شد. کتاب در سه بخش کلی میراث باستانی؛ دوره فرمانروایی مسلمانان؛ و مبارزه و پاسخ ورود غربیان به هند تدوین شده است. در آغاز، مقدمه ویراستار آمده تا در مورد این چاپ و تدوین مطالب و نویسندگان آن توضیح دهد. وی این کتاب را اثری مستقل دانسته و آن را مفیدتر از کتاب مشابه پیشین یعنی تاریخ فرهنگی هند می‌داند.

معرفی نویسنده و ویراستار

آرتور ال. بشام^۱ مورخ و هندشناس مشهور انگلیسی در ۲۴ می ۱۹۱۴ متولد شد. پدرش روزنامه‌نگاری انگلیسی در ارتش هند بریتانیا و مادرش روزنامه‌نگار و داستان‌نویس بود و به ادبیات عشق می‌ورزید. به همین سبب آرتور از همان دوران کودکی و نوجوانی با قصه و نویسندگی آشنا شد. وی بنا به سنت خانوادگی، به دینداری روی آورد. ابتدا به سمت مسیحیت رفت و با آن رشد کرد و سپس به ترتیب به هندوئیسم، بودیزم و اسلام روی آورد و از دانشکده «مطالعات شرقی و افریقا» در رشته سنسکریت درجه B.A

1. Arthur L. Basham

گرفت و در خلال جنگ دوم جهانی در بخش دفاع شهری لندن، مشغول به کار شد. پس از پایان جنگ دوباره به همان دانشکده بازگشت و زیر نظر پروفیسور L. B. Barnett برای درجه دکتری درباره ادیان هند با موضوع (Kumar Maity) 1997, p. 3 History and Doctorine of the Ajivikas کار کرد و از ۱۹۴۸ با عنوان مربی و سپس استادیار و دانشیار (۱۹۵۴) و استاد (۱۹۵۸) در همان دانشکده به تدریس مشغول شد. در ۱۹۶۵ به دانشگاه ملی استرالیا در کانبرا رفت و با عنوان رئیس بخش تاریخ و استاد تمدن‌های شرقی به تدریس و تحقیق پرداخت. وی یکی از نخستین تاریخ‌نگاران غربی بود که نقادانه برخورد سوامی ویوه کانندا (فیلسوف مشهور هند) را از منظر جهان اندازه‌گیری کرد. تفسیر نوشته معروف بشام درباره ویوه کانندا که «در سده‌های آتی یکی از قالب‌های اصلی جهان نو خواهد بود»، مکرر در مراسم تجلیل و سهم ویوه کانندا در فلسفه دینی جهان مورد استفاده قرار گرفته است. بشام در سپتامبر ۱۹۸۵ در «انجمن مطالعات شرقی آسیایی کلکته» پذیرفته شد و یک سال بعد در همان جا بدرود حیات گفت. از وی آثار ارزشمندی در زمینه هند شناسی به یادگار مانده که از آن جمله‌اند:

1. The Wonder that was India, New-Delhi, 1947; London 1954.
2. A Cultural History of India Published in: London 1975.
3. The Origins and Development of Classical Hinduism, Published in: London 1991, Published in: London 1994.

اهمیت موضوع کتاب، در پرداختن به مطالبی است که ذهن جستجوگر هر محقق و دانشجوی علاقه‌مند به هند را پر کرده است. با اینکه در مورد تاریخ و فرهنگ و تمدن هند بیش از صدها عنوان کتاب به زبان‌های مختلف در سرتاسر جهان به رشته تحریر درآمده، اما هنوز هم هند، به عنوان سرزمین عجایب، سرزمین دین و فلسفه، سرزمین «خرد شرق» نه تنها در اندیشه شرقیان که در نگاه پرسشگر غربی نیز با هزاران پرسش مجسم می‌شود. چنین نگرشی است که موجب فراهم آمدن این مجموعه شده تا بتواند دقیق‌ترین و علمی‌ترین اطلاعات را در برابر چشم علاقه‌مندان قرار دهد.

تمدن دره سند، هندوئیسم، جینیسم، بودیسم و بنیادهای فکری و فلسفی و سیاسی

و دینی هند، مفاهیمی کلی هستند که باید با ظرافت تمام به آنها ورود کرد تا بتوان به درک تداوم دیرینه آنها و حضور مداومشان در سرزمین گسترده هند توفیق یافت. چگونگی است که تمدن سند در این سرزمین پدید می‌آید و اوزان و مقیاس اندازه‌گیری و اختراع عدد صفر در هند کشف می‌شوند؛ قواعد علمی در علوم ریاضی و نجوم و موسیقی هندی باعث تحولی اساسی در جهان آن روز می‌شود؛ وداها و پوراناها، اساطیر هندی را جاودان می‌کنند و اسلام از سرزمین حجاز به کرانه‌های جنوب غربی هند می‌رسد و مورد پذیرش درآیدین‌ها قرار می‌گیرد و در سده‌های میانه بزرگ‌ترین تمدن مسلمانان را در شبه‌قاره به وجود می‌آورد به گونه‌ای که «تاج محل» نماد شکوهمند هند در جهان معاصر می‌شود. پيشاهنگان دولت‌های استعماری، هند را بهشت موعود برای چپاول و مال‌اندوزی می‌پندارند و بیش از دو سده نماد ننگ و نفرین ابدی تاریخ می‌شوند. شگفتا که تداوم فرهنگ هند، در عصر خفقان و ذلت‌اندوزی غرب، راه خود را می‌پیماید. «نهضت ملی‌گرایی» به پرچمداری فرزندان راستین هند (هندو و مسلمانان)، در ۱۹۴۷ بزرگ‌ترین دموکراسی جهان را از دل ظلمت و شقاوت حکومت استعماری پدید می‌آورد. اینها حقایقی است که نویسندگان و ویراستار این مجموعه، در هر بخش و فصلی از آن، خود را ملزم به شرح و توصیف علمی آن می‌دانند.

نکته دوم، تسلط و تخصص گردآورنده و ویراستار کتاب است که خود در ردیف آگاه‌ترین محققان در زمینه تاریخ و فرهنگ و تمدن هند قرار دارد. وی این اثر را به سه بخش کلی تقسیم کرده است:

بخش نخست شامل هشت فصل است که به این موضوعات می‌پردازد: تمدن سند، آریایی‌های نخستین، هند دوران آشوکا و عصر گویتاها، هند سده‌های میانه، ادیان باستانی هند، فلسفه و ادبیات کلاسیک، هنر و معماری نخستین، موسیقی.

بخش دوم در پنج فصل به این عناوین اختصاص داده شده است: معماری مسلمانان در هند، اخلاص‌گرایی هندویی در سده‌های میانه، اسلام در هند سده‌های میانه، سیکیزم، نقاشی مینیاتوری هند در سده‌های میانه.

بخش سوم شامل چهار فصل با این عناوین است: مغول‌ها و بریتانیایی‌ها، رفرم اجتماعی و مذهبی هندو در هند و بریتانیا، نهضت ملی‌گرایی، ادبیات مدرن. مقدمه و مؤخره‌ای نیز در آغاز و انجام این اثر به قلم ویراستار آمده است. مهم‌ترین مباحث مطروحه در این اثر، مقدمه است و نه فصلی که در جای خود مورد نقد و ارزیابی قرار خواهند گرفت. «مقدمه» ترجیحاً در ابتدا واکاوی می‌شود.

نقد و ارزیابی مقدمه

به سختی می‌توان مجموعه یا اثری دیگر در این زمینه پیدا کرد که تمام مراحل توسعه فرهنگی هند را برای بیش از ۴۰۰۰ سال دربر داشته باشد و از نظر دقت علمی و توضیح مطالب و به‌هم‌پیوستگی، قابل مقایسه با این اثر باشد. بشام در «مقدمه»، به چهار گهواره اصلی تمدن‌های جهان اشاره می‌کند و معتقد است این چهار تمدن اصلی از شرق به غرب عبارتند از: چین، شبه‌قاره هند، فلات ایران تا هلال حاصل‌خیز و مدیترانه، یونان و روم (Basham, 2009, p. 1). از میان اینها، سهم هند را در اعتبار بخشیدن به فرهنگ جهان در خور تحسین می‌داند. به باور وی زندگی دینی بخش بزرگی از آسیا و عناصر بسیار مهم در فرهنگ مردم آسیای جنوب شرقی، مستقیم و غیرمستقیم، به‌شدت تحت نفوذ هند قرار گرفته است.

وی گسترش فرهنگ هند را شبیه رودخانه‌ای می‌داند که از کوه‌های سربه فلک کشیده هیمالایا سرچشمه گرفته و پس از عبور از جنگل‌ها و دشت‌ها، به روستاها و شهرها رسیده و همواره ماهیت خود را در این مسیر طولانی حفظ کرده است. بشام نیز مانند ویشوانات ناراون به این نکته معترف است که هند در طول تاریخ کهن خود با رویدادهای بسیاری مواجه شده، بارها خود را با این تحولات تطبیق داده و عناصر متعددی را به خود جذب کرده است (ناراون، ۱۳۶۹، صص. ۷-۴).

تأثیر شرایط اقلیمی بر فرهنگ هند از دید بشام پنهان نمانده است، به همین سبب می‌نویسد سیمای غالب در هند، از دهلی گرفته تا سریلانکا، همان گرماست؛ گرمایی که تن را ناتوان و جوانی را کوتاه کرده و در آرامش دین و فلسفه ساکنانش مؤثر بوده

است. تنها راه رهایی از این گرما - چنان‌که در ظاهر پیداست - آرام نشستن، کار نکردن و چیزی نخواستن است (Basham, 2009, p. 1). شکی نیست که این نوع آب و هوا در پرورش تفکرات هندی تأثیر فراوان داشته است. ذهن پرسشگر هندی متأثر از آهنگ‌های ملایم و گیرای طبیعی است که طی سده‌ها و هزاره‌ها ادامه یافته، اشتیاق و استعداد مردم را بیدار ساخته، تفکر و فرهنگی مشخص و متناسب با محیط خود را پرورش داده است. تأثیری که طبیعت در آغاز تازگی و جوانی بر روح آماده آنان گذاشته، موجب شده در سن کمال حاصل آن را به دست آورند؛ گویی تأثیر جنگل در ذهن هندی جاودانه است (تاراچند، ۱۳۷۴، ص. ۲۹۴).

خصیصه شعور و آگاهی هندی، شناخت زمان و مکان و سیر در شناخت واقعیت است؛ به عبارت دیگر، اگر حقیقت برجسته شعور اروپایی را میل به حرکت و عمل تشکیل می‌دهد، این حقیقت در نزد هندی میل به دانستن است و این اشتیاق به «دانستن» است که بر نحوه زندگی او، فرهنگ او و رشد تمدن او تأثیر گذاشته است. به باور بشام، در غرب - اما - اعتقاد بر این است که پیش از نفوذ آموزش و علوم و تکنولوژی اروپایی، شرق در طول سده‌ها اندکی تغییر کرده است (Basham, 2009, pp. 1-2). واقعیت این است که «خرد شرق» در طول هزاره‌ها بی‌تغییر ماند و در طول سده‌ها آموخته شد و عناصر ابدی خود را به گونه‌ای آموخت که تمدن غربی به فراموشی گرایید. از سوی دیگر، شرق عموماً و هند به‌ویژه بر آن نبود که بدون برنامه‌ای مدون به دنیای آشفته مدرن کشورهای بسیار توسعه‌یافته غربی گام نهد. در حقیقت، هند همواره و آرام‌آرام در حال تغییر بوده است: تمدن گوپتا (سده ۴ تا ۶ م.) و تغییر از تمدن موریای (۲۰۰ ق. م. تا ۳۰۰ ب. م.) که از تمدن سده‌های میانه متفاوت بود. همچنین تمدن مسلمانان متفاوت از تمدن سده‌های میانه هند بود.

شکوفایی تمدن مسلمانانی که تحت فرمانروایی شش تن از مغولان اعظم (بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاهجهان، اورنگزیب) بودند، تغییرات دیگری را در تمدن هند به وجود آورد. بی‌تردید هنوز لایه قدیمی‌تر زندگی فرهنگی هند، بسیار دورتر از مشابه

آن در غرب قرار می‌گیرد. ریگ ودا (۱۵۰۰-۱۲۰۰ ق. م.) بسیار پیش از ایلیناد هومر تحریر شده و به‌ندرت چیزی در تورات دیده می‌شود که کهن‌تر از کلمات ریگ ودا باشد. بعضی از آیین‌های دینی و اعتقادات مشهور هندویزم، مانند قربانی کردن گاو نر (آشوامدا) و درخت انجیر هندی (پی پال) به قدمت فرهنگ پیش از تاریخ هاراپا و حتی کهن‌تر از آن است. در حقیقت هر نسلی در هند برای بیش از ۴۰۰۰ سال عوامل فرهنگی را حتی در حد بسیار اندک، به آیندگان واگذار کرده است.

بشام در مورد ورود اسلام و فرهنگ آن به هند به این باور رسیده که با ورود اسلام به شبه‌قاره تغییرات فرهنگی ایجاد شد. دوران سلاطین مسلمان، سبک‌های نو در معماری با طاق و گنبد معرفی شد. مکاتب جدید نقاشی مینیاتوری، هم در شیوه اسلامی و هم در شیوه هندویی، تحت تأثیر مکاتب نقاشی ایرانی در همین دوران ظاهر شد. آموزگاران صوفیه نیز راهکارهای اسلامی را انتشار دادند (Basham, 2009, p. 3). بشام، سده هجدهم را شاهد قدرت گرفتن کمپانی هند شرقی در شبه‌قاره می‌داند و به باور او وقت آن رسیده بود که سقوط کلی فرهنگ در هند آغاز شود، اما نوابغ و فرزندان آن سرزمین هنوز برای حفظ فرهنگ خود تلاش می‌کردند. زبان اردو در دربارهای رو به انحطاط دهلی و لکهنو ابزار بزرگ شعر و شاعری شد. با آغاز نهضت ملی‌گرایی برای استقلال، فرهنگ هندی عمده‌ترین محرک برای ادامه زندگی و بقای جنبش بود.

نقد و بررسی کتاب

بی. بی. لال، پروفیسور مشهور هندی در فصل اول به برآمدن و فرو افتادن تمدن دره سند پرداخته است. به اعتقاد وی، شهرهای پُرشکوه موهنجودارو و هاراپا نماینده عمده این تمدن در هزاره‌های ق. م. است. آنچه از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، نشان می‌دهد در این دو مرکز بزرگ شهری، هیچ مرکز نظامی و یا اسلحه پیشرفته

جنگی پیدا نشده است. به گفته کوسمبی^۱ زه‌های یافته‌شده بسیار ضعیف و بدون سرنیزه هستند و چاقوها را نمی‌توان به عنوان اسلحه نام برد؛ کمان‌ها حالت نمادین داشته و هیچ سر پیکان برنزی به دست نیامده است (Kosambi, 1970, p. 64). بدیهی است تفسیر علمی این جمله‌ها با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی این محوطه‌ها، نشان از جامعه‌ای است که بدون فشار و قدرت زیاد کنترل می‌شده است؛ بنابراین اگر در کاوش‌های سطحی یا در کنار گورها نمونه‌هایی از شمشیر یافت شده، به احتمال زیاد خارجی بوده و ربطی به فرهنگ سند ندارد.

موهنجودارو، نخستین شهر جهانی است که دارای حمامی بزرگ در وسط شهر بوده که با هدف رعایت بهداشت عمومی ساخته شده است. این تعبیر را وجود حمام‌های کوچک‌تر در تمام خانه‌های موهنجودارو تأیید می‌کنند. این طرز تلقی را سیستم آگوسازی منظمی تکمیل می‌کند که هنوز آثار آن در تمام مناطق شهری این محوطه باستانی به عنوان یکی از ویژگی‌های تمدن پیشرفته سند باقی مانده است.

رومیلا تاپار^۲، نویسنده فصل سوم این کتاب است. وی در این فصل، هند دوران امپراتور آشوکا (حک: ۲۷۳-۲۳۲ ق. م.) از سلسله موریای و عصر گوپتا (سده ۴ تا ۶ م.) را توصیف و نقد می‌کند. تاپار که از مورخان مشهور و معاصر هند است، یکی از صاحب‌نظران و ایده‌پردازان تاریخ هند به شمار می‌رود. نگاه او به تاریخ، نگاهی کاملاً شرقی است هرچند علت و معلول‌ها را بیشتر ارج می‌نهد. به باور او در جهان امروز به گونه‌ای روزافزون تاریخ را بخشی از علوم اجتماعی می‌شمرند و نه مطالعه فرهنگ‌های کلاسیک محض. این علاقه و توجه تازه پیداشده، پرسش‌های نوینی را درباره گذشته هند پیش رو می‌آورد؛ پرسش‌هایی که مربوط به این می‌شود که کدام جنبه تاریخ بیشتر مورد نظر است. تاریخ سیاسی و مطالعات مربوط به خاندان‌ها و سلسله‌های سلاطین و امرا هنوز هم از نظر مطالعات تاریخی حائز اهمیت‌اند، اما این توجه و علاقه اینک از

1. D. D. Kosambi

2. Romila Thapar

دیگر جنبه‌های تاریخی‌ای متأثر است که سرشت ملت‌ها و فرهنگ‌ها از آنها بافته می‌شود. تغییرات و تحولات سیاسی به گونه‌ای جدانشدنی با تغییرات و تحولات اقتصادی درهم آمیخته‌اند، تغییرات و تحولات اقتصادی‌ای که به نوبه خود اثر مستقیمی بر روابط اجتماعی می‌گذارند. اگر نهضتی دینی انبوهی از پیروان مؤمن را به خود جذب می‌کند، باید علل این جذابیت را در چونی و چندی مردمی که به آن جذب شده‌اند، جست‌وجو کرد. زبان جدید و ادبیات نوین تنها آن‌گاه ریشه می‌دواند و نشو و نما می‌کند که بتواند یکی از نیازهای جامعه‌ای را که در آن ریشه دوانیده، ارضا کند؛ لذا مورخ نمی‌تواند تنها به ارائه تحلیلی از اندیشه‌های آنانی بسنده کند که سعی کرده‌اند شکل و صورت نوینی به تاریخ بدهند. واجب است دانسته شود چرا مردم هند در طول قرن‌ها این اندیشه‌ها را پذیرفته یا مردود دانسته و یا اصلاح کرده‌اند.

وی دلیل اهمیت این فصل را در مرکزیت قرار گرفتن این دوران هزارساله (از سده چهارم ق. م. تا سده ششم م.) می‌داند که تغییرات عمده و قابل ملاحظه‌ای در تاریخ هند رخ داده است؛ همچنین بنیادهای سیاسی و اجتماعی هند در این دوره شکل گرفته‌اند. در عصر آشوکا ساختار امپراتوری متمرکز به وجود آمد به گونه‌ای که توانست سرتاسر هند را زیر پوشش قدرتی مرکزی قرار دهد (Basham, 2009, chapter 3).

تاپار در ادامه این فصل، با طرح مبحثی با عنوان «عصر گوپتا»، نظرهای خود را در قالب محورهایی از جمله موارد زیر پایه‌ریزی می‌کند:

- ❖ ظهور کالی داس شاعر و مؤلف کتاب شکونتلا؛
- ❖ تألیف کتاب پنچانتترا (کلیله و دمنه)؛
- ❖ ساختن معابد از سنگ به جای چوب و آجر؛
- ❖ رواج غار - معبد‌های آجاتتا و نقاشی‌های دیواری در الورا و آجاتتا؛
- ❖ رواج شمایل و بت که نوعی نماد یا سمبل برای ایزد است با چند دست یا بازو که نماد صفات ویژه او است؛
- ❖ توجه به شعر و ادبیات و موسیقی؛

- ❖ توجه به تعلیم و تربیت زنان در ادبیات و هنر؛
- ❖ رواج تعلیم و تربیت رسمی در مؤسسات برهمنی و در صومعه‌های بودایی؛
- ❖ رواج عالی‌ترین مجسمه‌های بودا واقع در سازنات و رواج تجسم بودا در پیکره انسانی؛
- ❖ تألیف کتاب پورانها یا تاریخ سنتی هند توسط برهمنان.

فصل پنجم به خامه رادها کریشنن (فیلسوف و رئیس‌جمهور پیشین هند) نگارش شده است. وی متخصص در ادیان باستانی هند است و در این فصل به سه دین کهن هند یعنی هندوئیسم، جینیسم و بودیزم پرداخته است. وی معتقد است هندوئیسم برای هر کس، در تمام سطوح فرهنگی، چیزی برای گفتن دارد.

باید اضافه کرد که تنها هندوئیسم نیست که چنین می‌نماید، بلکه هر کدام از ادیان باستانی و معاصر هند، برای ذهن پرسشگر هندی، چیزی برای آموختن دارد. نکته مهم این است که تعداد ادیان در هند حکایت از تنوع فرهنگی این کشور دارد، وجوه مشترک ادیان به این فرهنگ یکپارچگی می‌دهد، چراکه هر یک از ادیان این کشور به وجود نیروی برتر لایزال و یکتا اعتقاد دارد، هر یک به فناپذیری روح و موقتی بودن عالم وجود و پاداش عمل و غیره معتقد است؛ در این میان تنها در نحوه اجرای مراسم عبادی اساطیر و تحولات تاریخی این ادیان تفاوت‌هایی وجود دارد. در واقع این ادیان به‌رغم فقدان وحدت اداری و سیاسی در بسیاری از دوره‌ها، به فرهنگ هند یکپارچگی بخشیده‌اند.

«فلسفه و ادبیات کلاسیک» و نیز «هنر و معماری نخستین» عناوین فصل‌های ششم و هفتم این مجموعه است. فلسفه در دوران ودایی اخیر (۱۰۰۰ تا ۶۰۰ ق. م.) شکل گرفت. به نظر می‌رسد این دوره مقارن با زمانی است که اشتیاقی برای علل غایی تفکر، تمایل به مطلق‌گرایی، توجه به تناسخ، تلاش برای سمساره (رهایی از چرخه تولد و مرگ)، موکشا (رستگاری ابدی) و عرفان اسرارآمیز پدید آمد. در دوره امپراتوری موریان، فرهنگ نظام کشورداری ماکیاولی به همت یکی از وزرای این دوره به نام کوتیلیا مؤلف کتاب مشهور آرتاشسترا تأسیس شد. درست پانصد سال بعد در دوره گوپتاها پیشرفت

شگفت‌انگیزی در تمدن هند دیده شد که نتیجه مهم آن تمرکزگرایی در اطراف خدایان اصلی هندو یعنی ویشنو و شیوا بود و نیز تحریر کتاب معروف بهگواد گیتا (نغمه‌های آسمانی)، این با نفوذترین متون مذهبی هندوئیسم، بود.

این تحولات نیز به ظهور نخستین معماری و هنر انجامید و نخستین معماری سنگی، یعنی کهن‌ترین غارهای دست‌ساز و قدیمی‌ترین ستوپاها (گنبد مقبره‌های بودایی) در غارهای الورا و آجانتا (در نزدیکی شهر اورنگ‌آباد) شکل گرفت. به دنبال آن، بودیزم، الهیات مهاییانا (از شاخه‌های مهم مذهبی بودایی) را در چین گسترش داد. همچنین قوانین نوشته شده سنت‌های پیشین به صورت مکاتب حقوقی پدیدار شد. دو حماسه بزرگ و جاودان هند، مهابهاراتا و رامایانا، تدوین شد. مکاتب فلسفی، مجزا از آموزگاران مذهبی ظهور کرد. در سده‌های بعدی، زیباترین ادبیات کلاسیک هند در قالب اشعار و نمایشنامه‌های کالی داس، از جمله شکونتلا شکل گرفت. تا پیش از ورود اسلام به شبه‌قاره، مهم‌ترین سهم علمی هند در جهان، سیستم ثبت مکانی اعداد با نه رقم و یک صفر بود که در سال ۵۰۰ م. شناخته شده بود. این کشف مهم باعث پیشرفت بزرگ ریاضیات و نجوم هندی شد.

فصل نهم، معماری مسلمانان در هند را به بحث می‌کشد. مسلمانان برای نخستین بار در ۷۱۱ م. قدم به هند گذاشتند. در این سال یکی از سرداران معروف اسلام، محمد بن قاسم با ۱۵۰۰۰ مرد جنگی وارد دیبل (نزدیک بندر کراچی امروز) شد و سرزمین سند را به تصرف درآورد. نویسنده این فصل، مارتین اس. بریگز^۱ معتقد است شرح و توصیف معماری مسلمانان که در سرتاسر شبه‌قاره از سده‌های ۱۲ تا ۱۸ م. گسترده است، کار بسیار مشکلی است (Basham, 2009, chapter 9). وی ابتدا به اهمیت معماری مسجد جامع دهلی اشاره می‌کند که نمونه کاملی از نوع معماری مساجد اسلامی چهار ایوانی در ایران و هند است. تأکید بر کاربرد عناصر معماری ایرانی اسلامی در بناهای این دوره هند، از نکات مهمی است که در این فصل برجسته می‌نماید.

1. Martin S. Briggs

نکته مهم اینکه اسلام به عنوان نیروی فرهنگی و تمدن‌ساز در طی قرون با عناصری از فرهنگ باستانی این سرزمین درآمیخت و در دوران حکومت سلاطین غوری (۱۲۴۷-۱۲۱۷ م.)، با بهره‌مندی از فرهنگ ایرانی، سبکی جدید در سنت معماری هند به وجود آورد. شکوه این معماری در دوران تیموریان بزرگ هند به‌ویژه شاه‌جهان در بنای آرامگاه «تاج محل» تجلی یافت.

نویسنده، بی‌توجهی افسران ارتش بریتانیا در هند به معماری تاریخی هند را که سبب تخریب بعضی از بهترین آثار معماری هند شده و نیز رفتار وحشی‌گونه آنها در این خصوص را مورد انتقاد قرار داده است. وی در پایان این فصل این پرسش را مطرح می‌کند که آیا واقعا مطلوب بود که دولت بریتانیا با بی‌رحمی شدید، طرح دهلی نو را بر روی خطوط هند کهن بنا نهد؛ آن هم با ادارات و وزارتخانه‌هایی که نماها و سردرهایی تقلبی از معابد و بناهای اصیل هند عاریت گرفته‌اند؟

جردنزا اخلاص‌گرایی هندویی سده‌های میانه را در فصل دهم به بحث گذاشته و به قرائتی جدید از دین در این دوره اشاره نموده و دین جذبی بهکتی را به عنوان عرفان هندویی توصیف کرده است. این رویکرد باعث کنار گذاشتن ایزدان باستانی، طرز تلقی قدیمی و اشکال فرهنگی پیشین شد و زبان مقدس سنسکریت به دنیای خاطرات «پاندیت»ها و به عمق محوطه‌های معابد و صومعه‌ها بازگشت (Basham, 2009, chapter 10). در خلال سده‌هایی که این جنبش دینی رشد می‌کرد، ادبیات بومی هندی مدرن به وسیله این نهضت شکل گرفت و به ادبیات مردمی مبدل شد. برهمنان بیشتر قدرتشان را از دست دادند و گوروها (رهبران جدید دینی) جانشین آنها شدند و آهنگ‌ها و شرح حال زندگی اینان به‌زودی به متون مقدس مبدل شد. آیین اخلاص‌گرایی جدید بدون اینکه چهارچوب اجتماعی هندوئیسم را تخریب کند، ایده‌های برادری‌اش را پرورش داد و اعلام کرد در آیین بهکتی، «کاست» معنایی ندارد.

اسلام در هند سده‌های میانه، چنانکه سید علی اکبر رضوی نویسنده فصل یازدهم

نگاشته است، «تسلیم» یا «توکل» به خداوند معنی می‌داد. قرآن مجید، کتاب مقدس مسلمانان، به عنوان بالاترین اقتدار و کامل‌کننده دین واقعی مردمی بود که خداوند یکتا آنان را راهنمایی می‌فرمود. قرآن کریم کلام جاودانه و مجسم خداوند است که آشکار شده، نه اینکه آفریده شده باشد. حجتی است برای اعتقاد به خالق یکتا و فرشتگانش و کتاب‌های مقدس و پیامبرانش. وی در ادامه بحث به مفاهیمی مانند «ربوبیت»، «شهادت دادن به وحدانیت خداوند»، «اجماع» و «حدیث» می‌پردازد و سپس شاخه‌های مذهبی تسنن و تشیع را توصیف می‌کند. عرفان اسلامی و خانقاه و پیر و اولیاء الله و نقش آنان در هدایت جامعه هند آن زمان موضوع‌های دیگر در ادامه این بحث است.

فصل پانزدهم، در خصوص «نهضت ملی‌گرایی» است که اُون^۱ به بهانه آن تحولات شبه‌قاره را به چالش می‌کشد. بعد از شورش ۱۸۵۷م، در هند اندیشه‌های غربی و طرز زندگی غربی نه پذیرفته شد و نه رد شد، اما در سرتاسر شبه‌قاره با جدیت و دقت درباره این نوع اندیشه و طرز زندگی کنجکاوی و پرسش می‌شد. هندیانی که تاریخی بسیار طولانی در پشت سر داشتند و با مذاهب و نظام‌های فلسفی پیچیده و کهن آشنا بودند، در برابر رویدادهای تازه‌ای که از غرب می‌دیدند، وحشت کردند. سرانجام از دغدغه این هجوم فرهنگی پدیده‌ای بروز کرد که ملی‌گرایی هندی خوانده شد. شاید استحاله یا دگردیسی اصطلاح دقیق‌تری برای کلیت این نهضت باشد، زیرا نهضت ملی هند به طور کلی با مفهوم غربی این اصطلاح تفاوت داشت. مراد از نهضت ملی در غرب، اشتیاق و گرایش شدید به خودمختاری مبتنی بر زبان واحد، سرزمین واحد و نژاد واحد است. مراد از نهضت ملی در هند این نبود، بلکه معجونی از مفاهیم باستانی و نوین بود که حاصل آن نهضتی برای مبارزه با بیگانگان بود و از سوی دیگر هدف آن اعمال تغییرات بنیادین در سنت‌های جامعه بود. مفهوم ملت هند که افراد آن از حقوق مادی برخوردار باشند، خود پدیده‌ای نوین بود که نتایج ژرف و مهمی در ساختار اجتماعی به بار آورد. این نهضت موجبات استقلال هند را در ۱۹۴۷ فراهم کرد.

1. Hugh Owen

وضعیت اقتصادی هند پس از شورش ۱۸۵۷م، کنگره ملی هند و نقش رهبران مسلمان و هندو، علمای هند و جنبش خلافت، رهبری گاندی و نهرو و جناح و نیز تئوری کشور اسلامی علامه محمد اقبال موضوعاتی است که در این فصل مورد توجه بوده است. تحلیل این فصل نیاز به مقاله‌ای مبسوط دارد که از حوصله این معرفی و نقد خارج است.

بر آیند

هند برخلاف بیشتر کشورهای استعمارزده، هنوز سرزمینی است که مردمش در روزنامه‌ها، رسانه‌های جمعی، سخنرانی‌ها و تظاهرات عمومی و غیره آزادانه علیه حکومت انتقاد می‌کنند. امروز درک سیاسی در جوامع شهری و روستایی کاملاً مشهود است. بشام معتقد است این شاید بیشتر از هر دلیلی هند را متحد نگه داشته است، اما نمی‌نویسد که چگونه تلاش جمعی رهبران مسلمان و هندو در نهضت ملی‌گرایی پایه‌های دموکراسی آینده هند را پی‌ریزی کرد.

نقطه قوت نویسنده در جمع‌بندی نهایی است. وی سیاست محلی خودکفایی گاندی را در این برهه نمی‌پذیرد زیرا دیگر زمان فراموش کردن سیاست تولید به مقدار کم فرا رسیده و صنایع بزرگ در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است. وی در عین حال که بر اهمیت میراث فرهنگی هند تأکید دارد اما مشکلات هند را چه در سیاست خارجی و چه در وضعیت اجتماعی امروز آن نادیده نمی‌گیرد. اشاره نهایی نویسنده به وضعیت متزلزل هند در قبال تبت در جهان، جزئی است و بهتر بود به روشنی شرح داده می‌شد. نویسنده باید در جمع‌بندی نهایی موضوع سیاست شکل‌گیری سال‌های ۱۹۴۷ م. به بعد را روشن می‌کرد زیرا در مبحث «نهضت ملی‌گرایی» نکات مهمی از قلم افتاده و بحث ابتر مانده است.

سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۴۶ را باید دوران شکل‌گیری مؤلفه‌های بنیادی سیاست خارجی هند به حساب آورد. مهاتما گاندی در این فرایند تأثیر مهمی داشت. همان‌طور که گاندی چهارچوب سیاست هند را معین کرد، جواهر لعل نهرو نیز جهت‌گیری‌ها و

جزئیات آن را ساماندهی کرد. در اینجا شایسته است که نقش آنان در تبیین سیاست خارجی هند یادآوری شود. همچنین این نکته ناگفته مانده که تعهد حقیقی به آزادی، دموکراسی مبتنی بر محترم دانستن اختلافها و آزادی فردی و نیز رعایت خرد و صلح در روابط بین‌المللی، مؤلفه‌های بنیادینی بودند که مهاتما گاندی، پیش از استقلال کشور، برای سیاست خارجی آن در نظر گرفت. بیانات مهم وی به عنوان پدر ملت، اصول و معیارهایی هستند که باید همیشه در خاطرها بماند تا با توسل به آنها هند بتواند از پیچیدگی‌ها و مشکلات روابط بین‌الملل بگذرد. گاندی می‌گفت که ترجیح می‌دهد هند نابود شود تا اینکه بخواهد به قیمت فدای حقیقت، به آزادی برسد. همچنین وی معتقد بود دموکراسی وضعیتی نیست که در آن انسان‌ها مثل گوسفند عمل کنند بلکه در دموکراسی با غیرت تمام از آزادی عقیده و عمل فردی حراست می‌شود. گاندی معتقد بود به دلیل ضعف هند نیست که نمی‌خواهد به خشونت متوسل شود، بلکه عدم اعمال خشونت را با علم به قدرت و توان هند می‌خواهد. نویسنده به خوبی نتیجه می‌گیرد که شورای دهکده‌ها «پنجایت‌ها»، هرچند در زمان حکومت هند بریتانیا برچیده شدند، اما بعد از استقلال هند، دوباره مورد توجه قرار گرفتند و به عنوان واحدهای مبتنی بر دموکراسی و بی‌اعتنا نسبت به نظام طبقاتی در سیستم حکومتی هند ظاهر شدند.

از نقاط قوت دیگر کتاب، ترسیم سیمای مهم صحنه مذهبی هند است. این سیمای به‌ویژه در ایالت مهاراشترا، با احیای بودیزم خودنمایی می‌کند. بعد از ورود اسلام به شبه‌قاره هند، بودیزم به طور واقعی از بیشتر قسمت‌های هند رخت بریست و تنها در ناحیه شمالی و تپه‌ها باقی ماند. در آغاز سده بیست و یکم هنگامی که «جامعه مهابودهی» در سریلانکا صومعه‌های بودایی تأسیس کرد، به طور فزاینده‌ای توجه جوانان هندو را به خود جلب کرد. به‌زودی یکی از فعالان اجتماعی - سیاسی هندو به نام بی. آر. آمبدهکار^۱ به این جنبش پیوست و موجب تقویت آن شد.

از سوی دیگر هند کشوری سکولار است، اما تعریف سکولار از نگاه هند یعنی

1. B. R. Ambedkar

همزیستی مسالمت‌آمیز با تساهل و تسامح. امروزه در این کشور اسلام جایگاه خاصی دارد. هنوز مسلمانان از فقه اسلامی استفاده می‌کنند و در رابطه با ازدواج، ارث و تشکیلات وقف از حقوق اسلامی بهره‌مند می‌شوند. نویسنده در پایان این بحث پرسشی مطرح می‌کند که «سهم میراث جهانی از هند چیست؟». پاسخ از منظر نویسنده این است که ادبیات دینی بیشترین تأثیر را در اندیشه جهان غرب گذاشته و این در رابطه با مفاهیم روحی مصداق پیدا کرده است. همچنین فلسفه یوگا تأثیر چشمگیری در جهان غرب گذاشته به طوری که کلاس‌های یوگا در تمام شهرهای اروپا و حتی آمریکا و استرالیا تشکیل شده و تمرکز فکر و تمرین تنفس، انسان ماشین‌زده غربی را به آرامش طلبی شرق جذب نموده و شیوه مهار و روش‌های کنترل جسمی و روحی را تعلیم داده است. مطالعه این کتاب برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه هندشناسی و نیز کارشناسان و کارگزاران فرهنگی سودمند است.

در پایان لازم به ذکر است، از منابع و مآخذ زیر بهره گرفته شده است:

تاراچند (۱۳۷۴)، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه علی پیرنیا و عزالدین عثمانی، تهران: پاژنگ.
ناراوان، ویشوانات، س. (۱۳۶۹)، «فرهنگ ۵۰۰۰ ساله هند»، پیام یونسکو، ش ۲۲۵، سال بیستم: صص ۴-۷.

Kosambi, D. D. (1970), *The Culture and Civilization of Ancient India in Historical Outline*, Delhi: Vikas Publishing House.

Kumar M. Sachindra (1997), *Prof. A. L. Basham, My Gurujī and Problems and Perspectives of Ancient Indian History and Culture*, India: Abhinav Publications.